



رخدادهای تازه مستند
 نشست پژوهشی سی و هشتم
متهمین دایره بیستم
 حسام اسلامی
 یکشنبه ۲۷ فروردین | ساعت ۶ بعد از ظهر
 خیابان کریمخان خردمند شمالی
 اعرابی ۳، پلاک ۳
 تلفن ثبت نام: ۰۹۰۲۲۰۲۱۹۳۱



یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۶

گزارش سی و هشتمین نشست پژوهشی رخداد تازه مستند

پنجمین نشست از سلسله نشست‌های شهر و انسان شهری در رخداد تازه مستند با نمایش فیلم «متهمین دایره بیستم» از ساخته‌های حسام اسلامی برگزار شد. حسام اسلامی در این فیلم به کشمکش چهار گروه مهم می‌پردازد: نهادهای انضباط‌بخشی همچون پلیس و زندان، «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد، خانواده دزدان به عنوان یک سازوکار بازدارنده و خود دزدان به عنوان گروهی حاشیه‌ای و مطرود.



گروه پژوهشی و مستندسازی آریمی



گزارش سی‌وهشتمین نشست رخداده تازه مستند

گروه پژوهشی و مستندسازی آریتمی

ریتم اصلی

روز یکشنبه بیست و هفتم فروردین‌ماه، پنجمین نشست از سلسله نشست‌های شهر و انسان شهری در رخداده تازه مستند با نمایش فیلم «متهمین دایره بیستم» از ساخته‌های حسام اسلامی برگزار شد. حسام اسلامی در این فیلم به کشمکش چهار گروه مهم می‌پردازد: نهادهای انضباط‌بخشی همچون پلیس و زندان، «جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان» به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد، خانواده دزدان به عنوان یک سازوکار بازدارنده و خود دزدان به عنوان گروهی حاشیه‌ای و مطرود. پس فیلم روایت‌کننده‌ی کشمکشی بین چهار گروه است، میدان منازعه‌ای از گروه‌های مختلف که قرار است به روی صحنه بیایند آنهم فیلمی که شش سال زمان برده و در طول این بازه زمانی به این روابط پرداخته است. در این مستند دزدان در مرکز روایت قرار دارند ما نخست از سازوکارهای درون گروهی آنان اطلاعاتی به دست می‌آوریم؛ از زیست اقتصادی گرفته تا مناسبات اجتماعی درون گروهی. اما به جز اینکه کارگردان سازوکارهای درون گروهی را برای ما مشخص می‌کند به بیرون از روابط درون گروهی می‌رود تا نسبت گروهی از دزدان را با خانواده‌های‌شان، نهادهای مدنی و در نهایت با سازوکارهای انضباطی برای ما مشخص کند.

پوریا جهانشاد در مورد فیلم گفت: «فیلم‌های زیادی در مورد بزه‌کاری و مسائل اجتماعی ساخته شده است و اتفاقاً این فیلم‌ها به ظاهر به سوژه بسیار نزدیک شده‌اند اما معمولاً دو هدف عمده دارند: برانگیختن احساس ترحم و دلسوزی، و سپس مقصر جلوه دادن سوژه‌های آسیب دیده، به گونه‌ای که نشان بدهند عامل اصلی وضعیت فلاکت‌بارشان خودشان هستند. سپس این فیلم‌ها با نسبت دادن تمام تقصیرات و کمبودها به سوژه پیامد خاصی دارند: نشان دادن قطع بودن زنجیره این افراد با جامعه، بی‌ارتباط بودن فلاکت با ساختارهای جامعه و در نهایت حفظ کردن گفتمان مسلطی که شرایط موجود را بازتولید می‌کنند.»

حسام اسلامی می‌گوید: فیلم باید دست بیننده را بگیرد و او را از طریق پنجره و روزنه‌ای به جهانی ببرد که در حالت معمول توان دیدنش را ندارد. پس بینیم فیلمی که برعکس جریان غالب فیلمسازی در این ژانر در نهایت با متنبه شدن سوژه‌ها به پایان نمی‌رسد و تغییر در پایان فیلم را تغییری از پایین به بالا و نه از بالا به پایین نشان می‌دهد چه ریتم‌ها، هم‌ریتمی‌ها و آریتمی‌هایی با استفاده از روزنه‌های جدید بر روی مخاطب می‌گشاید.

چندریتمی

چندریتمی‌ها به همگونی تن نمی‌دهند، در برابر چیزی به‌ظاهر واحد مواضع متفاوت و متضادی اتخاذ می‌کنند. این‌گونه است که چندریتمی‌ها عدم توافق را به خاطر می‌آورند، جایی که هرگز همدستی‌ها رخ نمی‌دهند. ریتمی‌هایی گوناگون، نواهایی که تاکنون شانس برای شنیدن نداشته‌اند و خلق ساحت‌هایی که دیده نشده‌اند. کما اینکه خود فیلم در آغاز پرده از میل کارگردان برای ساخت فیلم برمی‌دارد تا کارگردان در شروع فیلم علاقه‌اش به ساخت فیلم را به چنین دلیلی نسبت بدهد: «هیچ چیزی نمی‌تونه جلوشونو بگیره.» اما این موانعی که افراد گروه پشت سر می‌گذارند تا خالق ریتم‌های متفاوتی شوند کدام‌ها هستند؟

در قسمتی از فیلم ما با مناسبات خاص درون گروه، مانند حمایت اعضا از یکدیگر، تلاش برای گرفتن رضایت پس از به زندان افتادن و مراقبت کردن از خانواده‌های یکدیگر روبرو هستیم. آذر تشکر با استفاده از چنین مناسباتی گفت: «فیلم نشان داد که سوژه‌هایی که چیزی برای دست دادن ندارند چگونه می‌توانند خود را تغییر بدهند و این عمل به مدد یافتن راه‌های جدید توسط پتانسیل‌های درون گروه و از پایین شکل می‌گیرد و همین‌جاست که تفاوت تغییر اجتماعی و از پایین با تغییر از بالا متمایز می‌شود.» همچنین در سکانسی از فیلم یکی از اعضای گروه می‌گوید: «کسانی که در زندان پول دارند پادشاهی می‌کنند ولی آزادی یک چیز دیگه است.» پوریا جهانشاد با اشاره به این سکانس از پیوند آزادی با نوعی انقلابی‌گری در بین اعضای گروه گفت. یکی دیگر از مخاطبان در مورد فیلم گفت: سوژه‌ی اصلی فیلم ازدواج نکرد که خوشبخت شود بلکه از روابط و مناسبات قبلی نتیجه نگرفت و روی به ازدواج آورد و روی به ازدواج آوردنش به معنای پایان مسیر او نیست بلکه می‌تواند چندی بعد از این مناسبت هم فراتر برود.

مقاومت سوژه‌ها در برابر گفتار مسلط، خلق فضاهای جدید برای دفاع از گروه و تن ندادن به سازوکارهای انضباطی و متنبه نشدن سوژه‌ها مهمترین ریتم‌هایی بودند که تولید شدند. اما در این میان اینکه فیلم در پایان به ما نشان داد که مهمترین شخصیت فیلم تشکیل خانواده می‌دهد، بچه‌دار می‌شود و میلش به مداخله در مورد اطرافش را از دست می‌دهد سبب تولید یک هم‌ریتمی با وضعیت مسلط شد.

هم‌ریتمی

هم‌ریتمی‌ها حاصل یک‌دستی‌ها، توافقی همگانی، پنهان کردن تمام شکاف‌های موجود و روایتی از متحدالشکلی‌ها است. هم‌ریتمی‌ها اگرچه می‌تواند در لحظات تغییر در سوی فرودستان رخ بدهد اما معمولاً حاصل توافقی نانوشته در پذیرش قواعدی که وضعیت را تثبیت می‌کند از سوی فرودستان است. از همین‌رو در قسمتی از فیلم برای ما دو موقعیت متفاوت نشان داده شد. در موقعیت نخست صحنه‌ای را نشان داد که اعضای گروه بعد از درماندگی دست به آسیب زدن به بدن خود می‌کنند یعنی برای گرفتن پول از بیمه دست یکی از اعضا را می‌شکنند و دندان‌های یکی دیگر را خرد می‌کنند اما در سکانس‌های پایانی کارگردان از قصه دیگری هم پرده برداشت و در فیلم چندبار بیان شد که زندگی به بازیگر اصلی داستان یعنی احسان درس داده است. آذر تشکر به عنوان یک جامعه‌شناس با ارجاع به این دو موقعیت متفاوت فیلم گفت: «از کدام زندگی می‌گوییم؟ زندگی که ما داریم تعریف می‌کنیم یا زندگی‌ای که احسان با شکستن بدن‌اش به عنوان تنها دارایی‌اش معاوضه می‌کند؟ سوژه‌ای که در نهایت تمام سازوکارها آن را له کرده در نهایت با پیوند زدن اینکه زندگی چیزی به او یاد داده و این یاد دادن منجر به تشکیل خانواده شده را تغییر نامیده‌اید. در صورتی که این تغییر حاصل تعریف کارگردان از زندگی است و کمترین نسبتی با زندگی احسان ندارد.» همسو با این دیدگاه پوریا جهانشاد هم به نکته‌ی دیگری اشاره کرد: «از یک‌سو با ناکامی سازوکارهای انضباطی و نهادهای مدرن در متنبه کردن افراد روبرو هستیم اما خانواده توانست این افراد را متنبه کند، این تناقضی بنیادی در جامعه ایران است. بالاخره کجا بر ما تاثیر می‌گذارد؟ خانواده با پتانسیل‌های احیانا سنتی خود روی ما تاثیر می‌گذارد یا سازوکار مدرن پلیسی است؟» اما همین مساله‌ای که آذر تشکر به عنوان پاشنه‌ی آشیل فیلم و پوریا جهانشاد به عنوان یک تناقض در جامعه‌ی ما به آن اشاره کرد منجر به توافقی در بخشی از مخاطبان شد.

یکی از شرکت‌کنندگان در جلسه گفت: اگر قرار بوده باشد چیزی احسان را نجات بدهد همان خانواده است و ازقضا شواهد درون فیلم نشان می‌دهد کارگردان هیچ نقشی در انتخاب خانواده به عنوان سکانس‌های پایانی نداشته و این مسیر واقعی خود کارکتر اصلی داستان بوده. اما یکی دیگر از شرکت‌کنندگان از این هم فراتر رفت و گفت: کارکتر اصلی مستند آنجایی که از زندگی خسته می‌شود و کم می‌آورد تحت تاثیر کارگردان به مفاهیمی مانند ازدواج، خانواده و بچه‌دار شدن بازمی‌گردد و تاثیر و حضور مثبت کارگردان را باید در تشکیل خانواده توسط کارکتر اصلی داستان مشاهده کرد.

آریتمی

آریتمی‌ها در چند جا متولد می‌

های